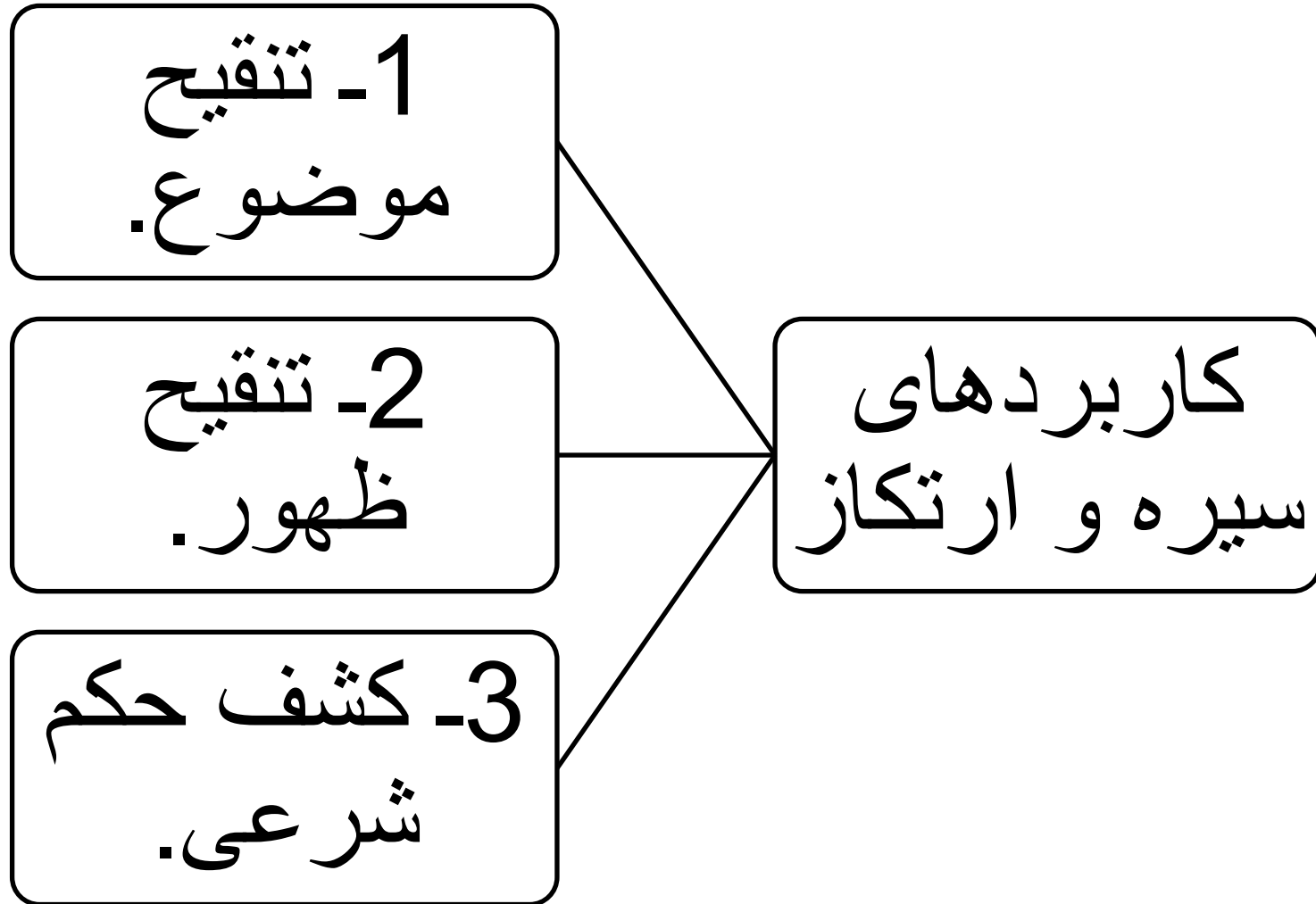


علم أصول الفقه

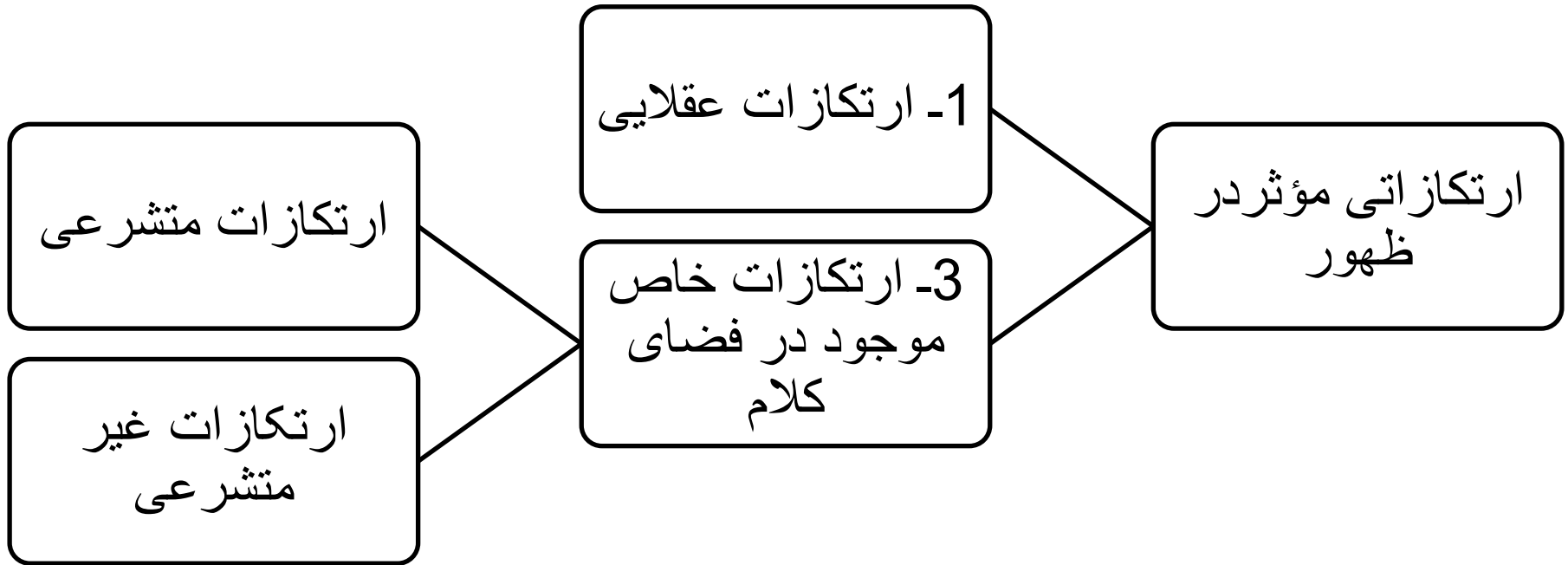
۲۶-۱۱-۹۲ حجیت سیره و ارتکاز ۵۳

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

کاربردهای سیره و ارتکاز



انواع ارتکازات مؤثر در ظهور



احتمال ارتکاز در زمان معصوم و اصالت عدم قرینه

- این بحث مطرح است که اگر احتمال می‌دهیم در زمان صدور یک روایت یا نزول یک آیه ارتکازی بوده‌است و تأثیری در ظهور آن‌ها داشته‌است که در روزگار ما چنین ارتکازی نیست. آیا این احتمال باعث اجمال روایت یا آیه نمی‌شود؟ فقهای گذشته در پاسخ به این سؤال می‌گفتند اصل عدم قرینه، اقتضا می‌کند که چنین ارتکازی وجود نداشت. در آینده توضیح خواهیم داد که این بیان تام نیست

- . از ارتکاز به قرینه لبی تعبیر می‌کردند.

ارتکازات زمان نص معیار تحدید ظهورات

- ارتکازات مؤثر در ظهور، ارتکازات زمان نزول آیات و صدور روایات هستند. بنابراین اگر یک ارتکازی بعد از آن پیدا شود و احیاناً تأثیری در ظهور داشته باشد، ظهور شکل یافته بر اساس این تأثیر حجیتی ندارد. شهید صدر - رضوان الله تعالی علیه - می فرماید دلیل حجیت این ارتکاز چیزی اضافه بر دلیل حجیت ظهور نیست. در واقع ظهور حجت است و این ارتکاز عامل شکل گیری ظهور می گردد؛ چنان که موضوع له الفاظ نیز یکی از عوامل شکل گیری ظهور است.

ارتکازات زمان نص معیار تحدید ظهورات

- این ارتکازات برای کسانی که در آن فضا زندگی می‌کنند به قدری واضح است که متکلم در هنگام سخن گفتن آن‌ها را توضیح نمی‌دهد. در آن فضا همه می‌دانند که مقصود از این عبارت چیست ولی وقتی از آن زمان فاصله می‌گیریم، با مشکل مواجه می‌شویم.

احتمال ارتكاز در زمان معصوم و اصالت عدم قرينه

- المقدمة الثانية هي، أن القرائن المتصلة التي يحتمل وجودها على قسمين، فتارة تكون هذه القرائن لفظية، و أخرى تكون لبية ارتكازية.
- فالقرينة اللفظية، من قبيل كلمة «يرمى» فلو قال المتكلم، «رأيت أسدا» و لم نعلم أنه هل قال كلمة أخرى و هي «يرمى» مثلا، أو لم يقل، فمثل هذا يكون من باب احتمال القرينة المتصلة اللفظية.

احتمال ارتكاز در زمان معصوم و اصالت عدم قرينه

- و أخرى يفرض أن القرينة المتصلة المحتملة، ليست لفظية، بل لبية ارتكازية، باعتبار إن الارتكازات التشريعية أو العرفية، تكون في كثير من الأحيان، من القرائن التي تحف الكلام، باعتبار حضورها و انتقاشها في ذهن المتكلم و السامع معا، و لهذا تعتبر قرينة متصلة، و حينئذ، فإذا احتملنا وجود قرينة لبية ارتكازية، فهذا أيضا، يوجب الإجمال كما أوجبه احتمال القرينة المتصلة اللفظية.

احتمال ارتكاز در زمان معصوم و اصالت عدم قرينه

- فإذا اتضح هذا، نقول: بأنه إذا وردت صيغة «افعل» في رواية من الروايات، و احتمالنا أن هذه الصيغة كانت مكتنفة بقرينة متصلة لفظية توجب صرفها عن الوجوب و حملها على الاستحباب، فحينئذ هذا الاحتمال، إذا لم يكن له ناف فإنه يوجب إجمال الكلام و سقوط الظهور في الوجوب، كما بيناه في المقدمة الأولى، فمثلاً، لو وردت صيغة «افعل» في رواية زرارة عن الإمام «ع»، و احتمالنا أن هذه الصيغة كانت محفوفة بكلمة أخرى تدل على عدم إرادة الوجوب، فمثل هذا الاحتمال، إذا لم يكن له ناف فإنه يوجب إجمال الصيغة، إلا أن هذا الاحتمال له ناف، و النافي هو شهادة زرارة نفسه، بأنه ينقل تمام الواقعة بكل خصائصها الدخيلة في فهم المطلب من اللفظ، إذ لو كان يوجد كلمة أخرى كان قد قالها الإمام، لكان قد نقلها زرارة.

احتمال ارتكاز در زمان معصوم و اصالت عدم قرينه

- فزرارة له شهادتان، الشهادة الأولى، و هي أن هذا الذي نقلته، قد صدر من الإمام «ع»، و الشهادة الثانية، و هي أن ما سكت عنه لم يقله الإمام «ع».
- إذن بمقتضى هذه الشهادة، ننفى احتمال القرينة المتصلة اللفظية، و بهذا، لا تصل النوبة إلى مرحلة الإجمال.

احتمال ارتكاز در زمان معصوم و اصالت عدم قرينه

- لكن إذا احتملنا القرينة المتصلة اللبّية، فحينئذ، لا نافي لهذا الاحتمال، لأنّ الراوى، إنما ينقل الكلام، و كل ما له دخل في فهم المطلب من اللفظ، و لا ينقل الملايسات النوعية و الارتكازات الكلية الموجودة في أذهان العقلاء و المتشرعة، فسكوته عن هذا الارتكاز، لا يكون شهادة على عدم هذا الارتكاز.

احتمال ارتكاز در زمان معصوم و اصالت عدم قرينه

- إذن فإحتمال وجود قرينة لبيّة، يبقى بلا دافع له، و حينئذ، نصل بصيغة «افعل» إلى الإجمال من جديد بمقتضى المقدمة الأولى و الثانية.

احتمال ارتكاز در زمان معصوم و اصالت عدم قرينه

- إذن نكون قد حصلنا على مطلب كلي، و هو أنه متى ما ورد أمر من قبل الإمام «ع»، و احتمالنا أن يكون هذا الأمر مقترنا في ذلك العصر بارتكاز نوعي على عدم الوجوب، بحيث يكون ذلك الارتكاز كالقرينة المتصلة على عدم الوجوب، حينئذ، لا يمكن التمسك بظهور الصيغة في الوجوب، تماما كما لو قال الفقيه لمقلديه، صلوا صلاة الليل فإنه لا ينعقد لصيغة «افعل» ظهور في الوجوب، للارتكاز المتشرعى، بأن صلاة الليل غير واجبة، كذلك في المقام، لو احتمالنا بأن كلام الإمام «ع»، كان مكتنفا بملايسات و ظروف نوعية، بحيث تكون هذه الملايسات و الارتكازات، كالقرينة المتصلة على عدم الوجوب، فلا ينعقد لكلامه ظهور في الواجب.

احتمال ارتكاز در زمان معصوم و اصالت عدم قرينه

- إذن فهذا الاحتمال يوجب الإجمال، و سقوط صيغة «افعل» من الظهور في الوجوب.
- و الآن نريد أن نحقق الصغرى، و هو أن نعرف، متى يوجد احتمال أن يكون صدور الصيغة قد اقترن بجو ارتكازى فى الأذهان التشريعية، بحيث يمنع من انعقاد ظهور للصيغة فى الوجوب؟.

احتمال ارتكاز در زمان معصوم و اصالت عدم قرينه

- هذا الاحتمال بأدنى مراتبه، قد يكون موجودا في جملة من الموارد، بشرط أن يكون احتمالا عقلاييا معتادا به، بحيث إذا طرح على العقلاء، يصبّونه تصويبا عقلاييا، فمثل هذا الاحتمال يوجب إجمال الكلام، فإذا ن أي متى يحصل هذا الاحتمال عند الفقيه؟.

احتمال ارتكاز در زمان معصوم و اصالت عدم قرينه

- هناك ميزان كلي، لحصول هذا الاحتمال، لكن هذا الميزان، لا على سبيل الحصر، بل من باب أنه أبرز أفراده، و هو، أنه، إذا وردت صيغة «افعل» تأمر بفعل، و كان هذا الفعل متطابقاً على عدم وجوبه «فتوى»، عند علماء الإمامية و في مختلف العصور، و إن كان هناك قول شاذ بالوجوب، فإنه لا يضر بهذا الإتجاه العام عند الإمامية،

احتمال ارتكاز در زمان معصوم و اصالت عدم قرينه

- و حينئذ، هذا الجو العام و الإِتجاه العام، يكون كاشفا عن عدم الوجوب، و لا نريد في مثل هذا، أن نجعل من هذا الإِتجاه العام، إجماعاً، بل نتكلم على أساس هذا الجو العام فقط، دون نظر إلى إجماع و غيره، فمثل هذا الإِتجاه العام، يكون منشأً لمثل هذا الاحتمال العقلائي المعتد به، بعدم الوجوب من أول الأمر، و إذا تشكّل هذا الاحتمال، أوجب الإجمال، لأنّه يصير من باب القرينة المتصلة، فيكون مثل هذا التطابق الفتوائي منشأً، لاحتمال أن يكون هذا الظهور واضحاً من أول الأمر و من أول صدور الرواية.

احتمال ارتكاز در زمان معصوم و اصالت عدم قرينه

- و بمثل هذا الاحتمال، نسقط ظهور الرواية في الوجوب، لا أنه بالإجماع، و بناء على هذه النكته الكلّية، نستطيع أن نتخلص من كثير من الأوامر التي وردت في موارد كثيرة، من دون قرينة على عدم الوجوب فيها، كما حصل في مورد غسل الجمعة، فقد وردت روايات كثيرة في غسل الجمعة، و لم تقم قرينة لفظية على عدم وجوبه في هذه الروايات، نعم يوجد شهرة فتوائية على عدم الوجوب حيث لم يقل بوجوب غسل الجمعة إلا قليلاً شاذ فيكون غسل الجمعة كأنه متفق على عدم وجوبه.

احتمال ارتكاز در زمان معصوم و اصالت عدم قرينه

- و هنا في مثل هذا المطلب، من يرى حجية الشهرة و الإجماع المنقول، يستطيع رفع اليد عن ظهور صيغة «افعل» في الوجوب في رواية «اغتسل للجمعة»، و لكن من لا يرى حجية الشهرة الفتوائية و لا الإجماع المنقول و غيره، فحينئذ، ما هو العمل مع الروايات الظاهرة في وجوب غسل الجمعة؟.

احتمال ارتكاز در زمان معصوم و اصالت عدم قرينه

- و العمل و العلاج، يمكن أن يتأتى بتطبيق هذه النكته، و هي أنه، لو قلنا أن الشهرة و الإجماع المنقول مثلا ليس حجة تعبدية، إلا أن هذه الشهرة، تشكّل منشأ لاحتمال أن يكون عدم الوجوب من الأمور المركوزة في أذهان المتشرعة من أول الأمر في عصر الأئمة «ع»، و هذا الاحتمال غير موهوم، لوجود منشئه العقلاني، فيدخل تحت كبرى احتمال القرينة المتصلة اللبية، و قد تقدّم أن احتمال القرينة المتصلة اللبية يوجب الإجماع، إذن، فيسقط ظهور صيغة، «افعل» في الوجوب في رواية اغتسل للجمعة أو اغتسل للإحرام.

احتمال ارتكاز در زمان معصوم و اصالت عدم قرينه

- و هكذا يمكن تطبيق هذه النكته على موارد كثيرة في الفقه، و خصوصا العبادات.

سیره و ارتکاز در کلام گذشتگان

- یادآور می‌شویم اصطلاحات سیره و ارتکاز با آن معانی معینی که ما فعلاً به کار می‌بریم، در نزد فقهای گذشته به کار نرفته است.
- کلمه‌ی **ارتکاز** بسیار کم استعمال شده و بیشتر در معنای لغوی‌اش به کار رفته است نه در معنای مصطلح.
- کلمه‌ی **سیره** کاربرد قدیمی‌تری دارد؛ اما معادلش یعنی کلمه‌ی «**عادت**» در آثار قدما بیشتر دیده می‌شود.

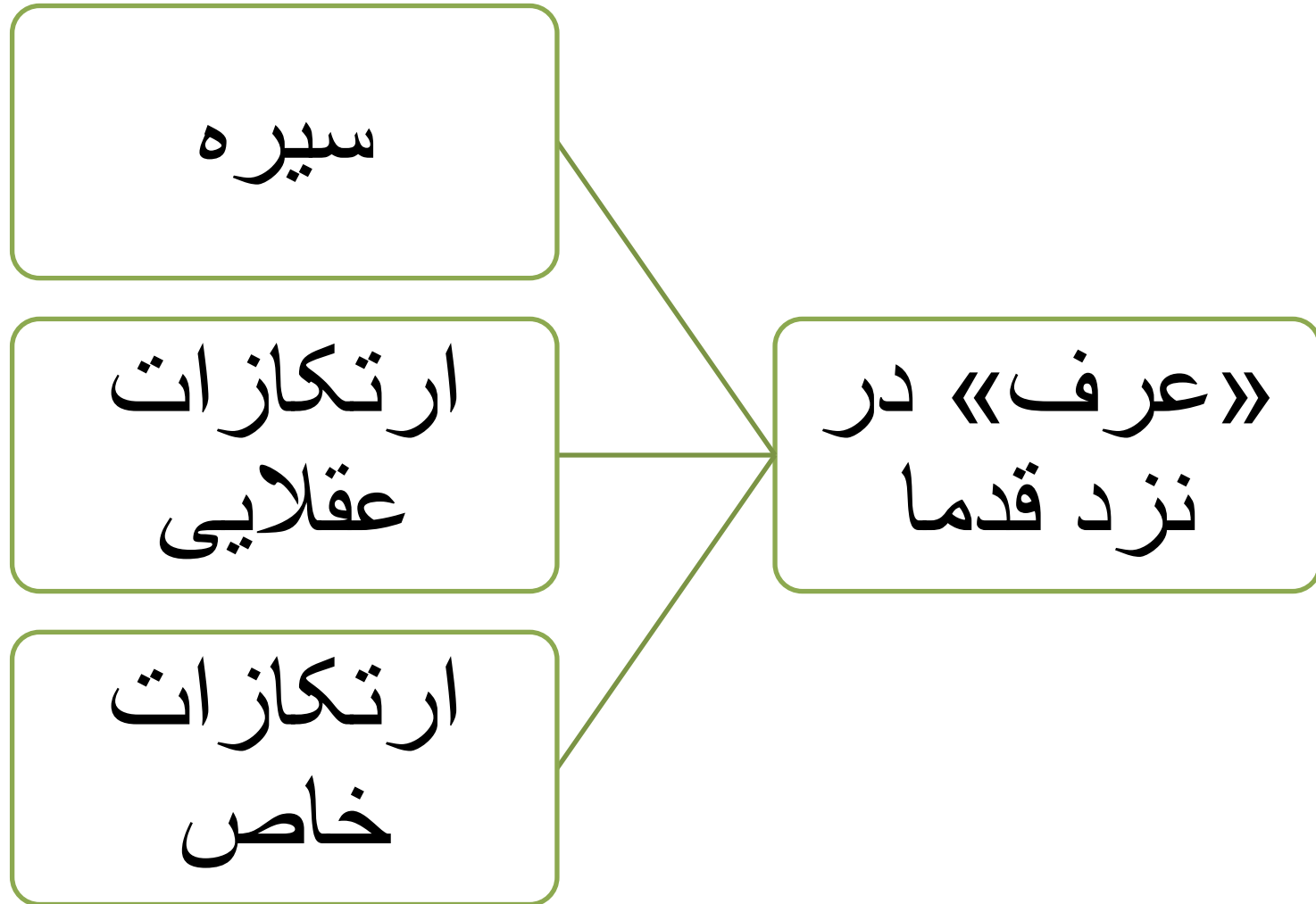
سیره و ارتکاز در کلام گذشتگان

- فقهای ما از گذشته بیشتر از کلمه‌ی «**عرف**» استفاده کرده‌اند و آن را در معانی مختلفی به کار برده‌اند. این معانی مختلف به نحوه‌ی استعمال و مورد آن بستگی داشته است.
- آنها گاهی **عرف** را در مورد عقلا به کار برده‌اند و گفته‌اند: عرف عقلا چنین است... مقصود آنها از عرف عقلا، **سیره‌ی عقلا** بوده است.
- و گاهی **عرف** را به معنای **ارتکاز** به کار گرفته‌اند
- و گاهی... .

سیره و ارتکاز در کلام گذشتگان

- به عنوان نمونه سید مرتضی در ذریعه گاهی عرف را در مورد فقها به کار برده و بدین وسیله معانی مصطلح در نزد آنها را شرح کرده است.
- پس مقصود او از **عرف فقها**، اصطلاحات مورد نظر آنها است.
- هم او در بعضی عبارات دیگر کلمه‌ی عرف را برای تعیین محدوده‌های معنایی الفاظ در نزد مردم به کار برده و مثلاً فرموده: در این موارد باید به عرف مراجعه کنیم. در اینجا مقصود او از عرف، **ارتکاز** است.

سیره و ارتکاز در کلام گذشتگان



سیره و ارتکاز در کلام گذشتگان

- پس «عرف» در نزد قدما گاه به معنای سیره، گاه به معنای ارتکازات عقلایی و گاه به معنای ارتکازات خاص است.
- تعیین یافتن یکی از این معانی بستگی به موردی داشته که کلمه‌ی عرف در آنجا به کار می‌رفته است.

سیره و ارتکاز در کلام گذشتگان

- یک جا مثل مورد غنا بوده است که می خواستند بدانند برای چه معنایی وضع شده است. اینجا به عرف زبان عربی رجوع می دادند و ارتباطی به زبان های دیگر نداشته است.

سیره و ارتکاز در کلام گذشتگان

- اما در جایی دیگر به محتوا نظر داشتند و صرف نظر از لفظ می خواستند بدانند محتوا چه حیثه‌ی مفهومی یا مصداقی داشته است، در اینجا نیز از کلمه‌ی عرف استفاده کرده و رجوع به عرف را لازم شمرده‌اند.
- آنها در هر دو مورد به عرف رجوع داده‌اند، با این که کلمه‌ی «عرف» در این دو رجوع دارای معانی متفاوتی است، یکی عرف خاص است و دیگری عرف عام که زبان و قومیت و ملیت در آن راه ندارد.

سیره و ارتکاز در کلام گذشتگان

- بنابراین اگر ما در این بحث‌ها به خصوص در تعیین موضوع از لفظ **عرف** استفاده می‌کنیم، به خاطر این است که قدا در این موارد از این لفظ استفاده کرده و کلمه‌ی ارتکاز را به کار نبرده‌اند. بدیهی است در اینجا شرایط دیگری هم وجود دارد که در این جا محل بحث ما نیست.

۳- نقش سیره و ارتکاز در کشف احکام شرعی

- کاربردی که بیشتر در اصول مورد نظر است، همین کاربرد است. در این کاربرد از سیره یا ارتکاز به عنوان دلیل بر حکم شرعی استفاده می‌کنیم.